

بررسی جوامع حدیثی فریقین در چگونگی پرداخت به احادیث تفسیری معصومان (ع)*

حجت علی نژاد**

سیدمحمسن موسوی***

چکیده

دانشیان، بخشی از تراث حدیثی فریقین را جوامع حدیثی نام نهاده‌اند. یکی از مسائلی که درباره جوامع حدیثی فریقین قابل طرح است اینکه این کتب چگونه به احادیث تفسیری پرداخته‌اند. در این زمینه پژوهش مستقلی تألیف نشده است. با مطالعه در ابواب و موضوعات این کتب، نحوه پرداختن به احادیث تفسیری مشخص می‌گردد. در این پژوهش که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به مطالعه در ابواب کتب جوامع حدیثی پرداخته است، این نتایج به دست می‌آید که جوامع اولیه حدیث شیعه چون بر اساس ابواب فقه تبویب شده‌اند، هیچ باب مستقلی برای احادیث تفسیری تدوین نکرده‌اند و احادیث تفسیری ذیل ابواب گوناگون پراکنده است. مؤلفین جوامع حدیثی متأخر نیز کتب حدیثی خود را به پیروی از آنان تحت همان ابواب تدوین نموده‌اند. در جوامع حدیثی اهل سنت نیز اگر چه بابتی تحت عنوان «باب التفسیر» تدوین شده، ولی در سایر ابواب نیز احادیث تفسیری کم و بیش مشاهده می‌شود. نیاز به جمع‌آوری و تدوین احادیث تفسیری در فریقین احساس می‌شود.

کلیدواژه‌ها: احادیث تفسیری، جوامع حدیثی، شیعه، اهل سنت

* تاریخ دریافت: ۹۹/۰۹/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۳
** دانشجوی دکتری علوم و قرآن و حدیث دانشگاه مازندران
*** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران

۱- بیان مسئله

جوامع حدیثی فراوانی در فریقین از آغاز تدوین حدیث تا عصر حاضر، تالیف و تدوین یافته‌اند. چگونگی پرداختن جوامع حدیثی به احادیث تفسیری، از جمله مسایلی است که برای مفسران ضروری و مهم به نظر می‌رسد؛ لذا این ضرورت ایجاب می‌کند که پژوهش و تتبعی مستقل با مطالعه در این گونه کتب انجام گیرد تا نحوه و چگونگی پرداخت جوامع معتبر حدیثی به احادیث تفسیری مشخص شود. تاکنون پژوهش مستقل یا نوشته‌هایی جنبی و پیرامونی در این باره انجام نشده است، لذا این پژوهش در نوع خود می‌تواند سرآغازی بر این کار باشد. از آنجایی که هر حدیثی دارای موضوعی است که نقطه ثقل و محوری در متن آن به شمار می‌رود، بررسی احادیث موجود، نشانگر تنوع و تفاوت موضوعی آنها با یکدیگر است. پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) در سخنان خود به اقتضای نیاز زمانه و مخاطبان، از موضوعات متنوعی سخن گفته‌اند. حال پرسش این است که با وجود احادیث فراوان در جوامع روایی فریقین در موضوعات و مسائل مختلف فقهی، اعتقادی، اخلاقی، سیاسی و ... کدام یک از این احادیث تفسیری هستند؟ صاحبان جوامع حدیثی فریقین آیا احادیث تفسیری را در ذیل باب مشخصی جمع‌بندی نموده‌اند و براساس چه معیار یا ضابطه‌ای آنها را گردآوری کرده‌اند؟ و اگر روایات تفسیری را ذیل باب خاصی نیاورده‌اند، دلیل‌شان برای این کار چه بوده است؟

۲- پیش‌زمینه

با مطالعه در کتب تاریخ تفسیر و تاریخ حدیث، مشاهده می‌شود که دانشمندان درباره تعداد احادیث تفسیری با هم اختلاف نظر دارند. (طبری، ۱۴۱۲: ۲۷/۱؛ اسکافی، ۱۴۰۱: ۳۰۴) گروهی از اندیشمندان بر این باورند که پیامبر (ص) تمامی قرآن را تفسیر نموده و معانی تک تک آیات قرآن را بیان فرموده است؛ احمد بن تیمیه، سرگروه آنان شمرده می‌شود و

بررسی جوامع حدیثی فریقین در چگونگی پرداخت به احادیث تفسیری معصومان (ع) ۱۲۹

عقیده دارد که پیامبر تمامی معانی قرآن را بیان داشته و شاهد آن آیه شریفه: «لَتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (نحل: ۴۴) (تا برای مردم آنچه را به ایشان نازل شده، بیان کنی) که هم شامل لفظ و هم شامل معناست. (ابن تیمیه، ۱۴۰۹: ۵) در مقابل، گروه دیگری مانند جلال‌الدین سیوطی، عقیده دارند که پیامبر (ص) تنها اندکی از آیات را تفسیر نموده و از بقیه سخنی نگفته است. این گروه به حدیثی که بزاز از عایشه روایت می‌کند: پیامبر (ص) جز تعدادی از آیات که جبرئیل به او آموخته بود چیزی از قرآن را تفسیر نمی‌نمود، استناد می‌کنند. (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۶/۱؛ طبری، ۱۴۱۲: ۲۹/۱) سیوطی نیز تعداد احادیث تفسیری از پیامبر (ص) را که با نص صریح به ما رسیده باشد، حدود ۲۵۰ حدیث ذکر کرده است. (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱۸۰/۴)

نیک روشن است که نوع نگاه به میزان احادیث تفسیری رسیده از پیامبر (ص)، در چگونگی جمع‌آوری این احادیث در کتب جوامع حدیث، تأثیرگذار است. اما آیت الله معرفت معتقد است که با توجه به انبوه احادیث وارده در بیان احکام شریعت - که تمامی آنها را می‌توان تفسیر آیات الأحکام شمرد - و نیز روایاتی که از شخص پیامبر اکرم در شرح و تبیین معضلات آیات آمده است و به ضمیمه آنچه از صحابه و ائمه اهل بیت در دست است، گمان نمی‌شود که پیامبر (ص) تفسیر قسمت فراوانی از آیات را رها کرده باشد و ظاهراً جایی از قرآن که نیاز به تفسیر و تبیین داشته باشد، باقی نمانده است. (معرفت، ۱۳۷۹: ۱۶۶/۱) از این سخن آیت الله معرفت می‌توان چنین نتیجه گرفت که تعداد احادیث تفسیری از پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع)، فراوان است. این نکته هم قابل گفتن است که این پژوهش بر این پیش‌فرض انجام شده است که به نظر نگارنده احادیث تفسیری به احادیث فقهی، اخلاقی، کلامی و ... تقسیم می‌شود؛ به عبارتی دیگر احادیث تفسیری احادیثی هستند که آیات گوناگونی از جمله آیاتی با مباحث فقهی، اخلاقی، کلامی و ... را تفسیر می‌کنند. لذا احادیث تفسیری یک اصطلاح کلی شمرده می‌شود و رابطه و نسبت

منطقی آن با موضوعات گوناگون، نسبت «عموم و خصوص مطلق» است. بنابراین احادیث ذیل تفسیر آیات الاحکام نیز ذیل احادیث تفسیری شمرده می‌شود و این دیدگاه مبنای پژوهش حاضر خواهد بود.

۳- مفهوم‌شناسی

در تعریف حدیث تفسیری گفته‌اند که: حدیث تفسیری، حدیثی است که بخشی از آیه در آن مذکور باشد یا حدیث، ناظر به آیه‌ای باشد که خود آیه در حدیث مذکور نیست، اما آن حدیث به بیان مراد خداوند در آن آیه پرداخته یا زمینه فهم آن را فراهم ساخته است. (مهریزی، ۱۳۸۹: ۶) در تکمیل این تعریف باید گفت که حدیثی که به بیان مصداق یا مصادیق یک آیه و یا به سبب نزول آیه نیز اشاره دارد، حدیث تفسیری به شمار می‌رود.

«جامع» (اسم فاعل از «جمع») به معنای «گردآورنده» (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۰۷/۲؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۴۷/۲)، جوامع جمع مکسر آن است. به نظر راغب جمع یعنی نزدیک نمودن و پیوست کردن بعضی چیزها به بعضی دیگر. (راغب، ۱۳۸۳: ذیل ماده «جمع») «جَمْعُ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ» (قیامت: ۹) (خورشید و ماه جمع شدند. نامیدن روز جمعه را به «یوم الجمعة»، برای گرد آمدن و جمع شدن مردم برای نماز در آن روز است. (راغب، ۱۳۸۳: ذیل ماده «جمع»)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله علمی پژوهشی علوم انسانی

۴- نگاهی بر تعاریف جوامع حدیثی

تعاریف درباره جوامع حدیثی متفاوت و گوناگون است؛ به گونه‌ای که هیچ یک از آنها، جامع و مانع نیست. (موسوی، ۱۳۹۸: ۱۲۲) صبحی صالح در تعریف جوامع حدیثی می‌گوید کتبی که مشتمل بر ابواب هشت‌گانه حدیثی - مجموعه احادیث و مطالب دینی - باشد، جامع نامیده می‌شود. (صبحی صالح، ۱۳۸۸: ۲۱۲) و همچنین محمدکاظم طباطبایی تعریف جوامع را گردآوری مجموعه‌ای از احادیث ناظر به هم در ذیل عنوان‌ها و موضوعات

بررسی جوامع حدیثی فریقین در چگونگی پرداخت به احادیث تفسیری معصومان (ع) ۱۳۱

گوناگون فقهی، می‌داند. (طباطبایی، ۱۳۹۵: ۳۳) آقای هادی حجت نیز می‌گوید: جوامع به کتاب‌هایی گفته می‌شود که در آن‌ها، احادیث به ترتیب ابواب فقهی جمع‌آوری شده باشد؛ مانند: صحاح سته اهل سنت و کتب اربعه شیعه و همچنین جوامع حدیثی متأخر شامل: بحار، وسائل و وافی؛ یا این جمع‌آوری، به ترتیب حروف الفبا باشد؛ مانند: «جامع‌الاصول ابن اثیر» (حجت، ۱۳۸۸: ۵) اصطلاح جامع حدیث به معنای مجموعه‌ای از احادیث هم به کار رفته است. (نورالدین عتر، ۱۴۰۱: ۱۹۸/۱)

کتاب‌هایی که در این زمینه وجود دارند، سعی کرده‌اند تا فقط به معرفی جوامع مهم حدیثی شیعه و اهل سنت پردازند؛ اما به نظر می‌رسد که نتوانسته‌اند، به تعریف مشترکی از جوامع حدیثی دست یابند. تمامی تعاریف در این زمینه جامع و مانع نیستند؛ چون در بیشتر جوامع حدیث، احادیث فقهی گردآوری شد، لذا اغلب تعاریف حول همین محور می‌چرخد. اگر چه تعریف صبحی صالح جامع‌ترین تعریف از جوامع حدیثی است که ناظر به جامعیت در اکثر موضوعات دینی است، اما کتبی چون مسندها، معجم‌ها، مستدرکات و مستخرجات و ... را دربر نمی‌گیرد.

شاید یکی از دلایلی که صاحبان کتب جوامع حدیثی نتوانسته‌اند به تعریف واحدی از جوامع برسند، برداشت‌های متفاوتی است که از تعاریف و مصادیق جوامع حدیثی در ادوار مختلف داشتند؛ جوامع حدیثی در هر دوره‌ای، تعریف خاص خود را داشته و شامل مصادیق مشخصی می‌شده است. به عنوان مثال، از اواخر قرن سوم هجری و قبل از تدوین کتب اربعه حدیث، جمعی از محدثین شیعه درصدد برآمدند برای مصون ماندن میراث گذشتگان خود از نابودی و برای تسهیل امر مراجعین، مجموعه‌های حدیثی را که تحت عنوان «اصل» به آنان رسیده بود، به انضمام سایر احادیثی که از ائمه معصومین (ع) به نقل شفاهی روایت شده بود، در مجموعه‌هایی گرد آوردند مثل کتب احمد بن محمد بن خالد برقی و کتب فضل بن شاذان نیشابوری و کتب ابراهیم بن محمد ثقفی و ... بی‌تردید در این

دوره برداشت آنها از جوامع حدیثی همین کتب است. همین‌طور در قرون چهارم و پنجم هم زمان با عصر تألیف کتب اربعه، جوامع حدیثی ناظر به همان کتب اربعه است. در دوره‌های متأخرین نیز منظور از کتب جوامع، ناظر به کتب اربعه ثانویه حدیثی است. به این شکل کتابی که جامع احادیث فقهی یا کلامی یا تفسیری باشد.

بنابراین نیاز به بازخوانی جدیدی از تعریف جوامع حدیثی احساس می‌شود؛ اگر بخواهیم بازخوانی جدیدی از تعریف اصطلاح جوامع حدیثی ارائه دهیم؛ باید گفت که: جوامع حدیث به گردآوری مجموعه‌ای از احادیث ناظر به هم در یک یا چند موضوع ذیل عناوین گوناگون در ادوار مختلف تاریخی، با رویکرد جامعیت، گفته می‌شود. اگر قید یک موضوع را که در تعریف جوامع حدیثی آوردیم، بدین دلیل است که شامل گردآوری احادیث حول یک موضوع خاص مثل احادیث حوزه تفسیر یا حوزه‌های دیگر نیز بشود. با این بازتعریفی که از جوامع حدیثی ارائه گردید، کتب تفاسیر مفسرانی که بر مبنای احادیث پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع)، گردآوری شده‌اند (تفاسیر روایی)، زیرمجموعه کتب جوامع حدیثی قرار می‌گیرند. چون آنها مجموعه عظیمی از احادیث تفسیری را در خود گنجانده‌اند؛ همچنین هر کتاب حدیثی که احادیثی را در حوزه خاصی، با رویکرد جامعیت گردآوری نموده‌اند نیز، زیرمجموعه کتب جوامع حدیثی قرار می‌گیرند.

۵- چگونگی پرداختن به احادیث تفسیری در کتب جوامع حدیثی متقدمین شیعه

با بررسی ابواب احادیث کتب جوامع حدیثی متقدمین در شیعه، روشن می‌شود که مؤلفین این کتب، بابی خاص و جداگانه به احادیث تفسیری اختصاص نداده‌اند و احادیث تفسیری را احصاء نموده‌اند؛ به نظر می‌رسد علت این که باب خاصی برای احادیث تفسیری در این کتب مشاهده نمی‌شود، این باشد که چون آنها همه احادیث کتب خود را تحت عناوین اعتقادی و فقهی باب‌بندی نموده‌اند، بنابراین بابی خاص برای احادیث تفسیری اختصاص نداده‌اند. لذا، احادیث تفسیری ذیل همان ابواب فقهی کتب جوامع حدیثی پراکنده است. به

بررسی جوامع حدیثی فریقین در چگونگی پرداخت به احادیث تفسیری معصومان (ع) ۱۳۳

عنوان مثال، نویسنده کتاب الکافی در سراسر کتاب خود اعم از اصول و فروع، بابی خاص برای احادیث تفسیری نیاورده است. همه احادیث را تحت همان عناوین اعتقادی و فقهی باب‌بندی نموده است که احادیث تفسیری را نیز ذیل آن ابواب جایی داده است. به عنوان مثال ایشان در ذیل احادیث اعتقادی در کتاب «فضل العلم»، حدیثی از امام صادق (ع) به نقل از پیامبر (ص) درباره سبب نزول سوره اخلاص آورده است. (کافی، ۱۴۲۱: ۲۰۲/۱، حدیث شماره ۲۴۱) همچنین در همین کتاب «فضل العلم»، ذیل بابی درباره صفات خداوند، حدیثی از امام صادق (ع) درباره تفسیر آیه شریفه (طه: ۸۱) آورده است.

شیخ طوسی نیز در دو کتاب تهذیب و استبصار به مباحث اصول عقاید اشاره نکرده و فقط به بیان فروع و احکام شرعی، یعنی از اول تا آخر فقه و از کتاب طهارت تا کتاب دیات پرداخته است. کتاب تهذیب شامل ۳۹۳ باب و ۱۳۵۹۰ حدیث است. (امین، ۱۴۰۳: ۱۶۱/۹؛ آغابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۵۰۴/۴) با مطالعه در ابواب این دو کتاب شیخ طوسی مشخص می‌شود که در این کتب نیز باب خاصی برای احادیث تفسیری نیامده است و احادیث تفسیری ذیل همان ابواب فقهی کتب پراکنده است. سبک نگارش و باب‌بندی کتب من لایحضره الفقیه و المحاسن نیز مانند سایر کتب حدیثی دیگر سبک رایج در قرون اولیه اسلامی است؛ یعنی به همان ترتیب ابواب فقه، احادیث جمع‌آوری شده است. طبعاً احادیث تفسیری نیز ذیل همان ابواب فقه پراکنده شده است.

۶- چگونگی پرداخت به احادیث تفسیری در کتب جوامع حدیثی متأخر شیعه

مؤلفین کتب جوامع حدیثی متأخر شیعه نیز به تبعیت از اسلام خود، کتب حدیثی خود را بمانند آنان تحت عناوین و ابواب کتب فقهی، مبوّب و تدوین نموده‌اند. شاید بعضی از آنها مانند مؤلف بحارالانوار و الوافی، ترتیب نوینی ایجاد و با ادغام پاره‌ای از ابواب، در برخی دیگر و جابه‌جا کردن آنها، تدوین جدیدی را پدید آورده‌اند؛ ولی همچنان باب خاصی را برای احادیث تفسیری قائل نشده‌اند و این خلأ همچنان احساس می‌شود. به عنوان مثال،

«الوافی» که اولین جامع حدیثی در دوره متأخران است، تعداد باب‌های آن، بر طبق شمارش مرحوم آغابزرگ، ۲۷۳ باب و شماره احادیث آن، به حدود پنجاه هزار حدیث می‌رسد. (آغابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۱۳/۵) این کتاب، مشتمل بر تمام احادیث موجود در کتب اربعه شیعه است. اگر چه فیض کاشانی، در مقدمه وافی، کتب اربعه را مورد نقد قرار می‌دهد و ضرورت تدوین یک کتاب حدیث را اعلام می‌دارد و اعتقاد دارد که در برخی از کتب و ابواب و روایات آن، ترتیب نیکویی به کار نرفته است و گاهی حدیثی در غیر باب آن آمده است. (فیض کاشانی، ۱۳۸۸: ۶/۱) همچنین وی در کتاب خود تلاش کرده است ترتیب نوینی ایجاد و با ادغام پاره‌ای از ابواب، در برخی دیگر و جابه‌جا کردن آنها، تدوین جدیدی را پدید آورد؛ اما با مطالعه در اجزای چهارده‌گانه کتابش دیده می‌شود که او نیز مانند سایر مؤلفان کتب جوامع حدیث شیعه، باب یا ابواب خاصی برای احادیث تفسیری ذکر نکرده است. اما نکته قابل تمایز وی با دیگر مؤلفان این است که تنها به جمع‌آوری و تبویب روایات بسنده نکرده است، بلکه به شرح و تفسیر حدیث نیز دست زده است؛ وی از مباحث تفسیری و قرآنی در شرح روایات، به صورت گسترده استفاده کرده است؛ بدین صورت که در ذیل هر یک از فصول و ابواب کتب چهارده‌گانه‌اش، پس از ذکر حدیث مربوط به آن باب، به هنگام شرح، احادیثی را که خود لازم می‌بیند، از آیات قرآن و تفسیر آن کمک می‌گیرد و بسیاری از احادیث را با استمداد از آیات توضیح می‌دهد. به عبارت دیگر، وی هر جا احساس نیاز می‌کرد در شرح احادیث، آیاتی از قرآن که بیان مراد حدیث را روشن‌تر کند یا زمینه فهم آن را بهتر فراهم آورد، از آیه و حتی تفسیر آیه کمک می‌گیرد. یعنی، وی به هنگام ورود به ابواب کتاب، آیات قرآنی مناسب با آن باب را می‌آورد و در مواردی به تفسیر آیه نیز می‌پردازد.^۱ وی هم از روایات در تفسیر قرآن

۱- برای نمونه می‌توانید به اصل کتاب، ج ۱، ص ۴۷-۴۹، ۳۰۷، ۴۹۳؛ ج ۲، ص ۲۰، ۲۲۵؛ ج ۴، ص ۱۹، ۲۳، ۷۵، ۲۶۱؛ ج ۵، ص ۴۸۹، ۷۲۹، ۹۰۷، ۹۹۷ مراجعه نمایید.

بررسی جوامع حدیثی فریقین در چگونگی پرداخت به احادیث تفسیری معصومان (ع) ۱۳۵

استفاده کرده و هم از قرآن و تفسیر در شرح روایات استفاده بهره برده است. (میرجلیلی، ۱۳۸۷: ۶)

کتاب بزرگ وسائل الشیعه نیز شامل تمام احادیث فقهی منابع روایی شیعه مانند کتب اربعه و دیگر منابع حدیثی است. در این اثر، ۳۶ هزار روایت با سند آن در موضوعات متعدد فقهی در ۵۰ بخش موضوعی آورده شده است. شیخ حرّ عاملی احادیث این کتاب را به ترتیب مسائل شرعی مطرح شده در کتاب‌های فقهی از کتاب طهارت تا کتاب دیات به صورت باب‌های جداگانه آورده است. شیخ تلاش داشته است تا تمامی روایات حول یک موضوع را در یک باب، جمع‌آوری نماید تا دسترسی به همه روایات درباره یک موضوع آسان‌تر گردد. به عبارتی دیگر شیخ یک فهرست موضوعی درباره همه روایات حول موضوعی خاص را به وجود آورده است. بنا بر این تعاریف، متأسفانه در این کتاب نیز بابت مشخص برای تفسیر و احادیث تفسیری مشاهده نمی‌گردد.

بحارالانوار، مفصل‌ترین مجموعه حدیثی شیعه است. مؤلف، کتاب را بر اساس ۲۵ موضوع کلی طراحی و آن را در ۲۵ جلد جای داده است. در هر جلد برای هر موضوع، ابواب مختلفی گرد آورده است. او در هر باب، ابتدا آیات قرآنی مرتبط با موضوع را ذکر کرده و تفسیر آیات را می‌آورد و در مرحله بعد احادیث مربوط به آن باب را نقل می‌کند. به عبارتی دیگر، علامه مجلسی هر باب را با آیات متناسب با عنوان آن باب آغاز کرده و پس از آن اگر این آیات احتیاج به تفسیر داشته، نظریات مفسران را در حد لزوم نقل نموده و پس از آن، احادیث ناظر بر هر باب را به ترتیب شماره آورده است. روش کار مجلسی هر چند به نظر می‌رسد نوعی برداشت از کارهای گذشته نیز باشد، اما ابتکارات شخصی نیز دارد. از جمله اینکه علامه برخی ابواب و کتب را برای اولین بار مطرح کرده مانند «کتاب السماء و العالم» و «کتاب تاریخ انبیاء و ائمه (ع)». ایشان آیات را برای توضیح و تبیین روایات به کار می‌گرفت. به اصطلاح، آیات در خدمت تفسیر روایات بودند نه روایات در

خدمت تفسیر آیات. بدین ترتیب ایشان و فیض کاشانی، یک فهرست موضوعی از آیات قرآن را گردآوری نموده‌اند.^۱ بنابراین در این کتاب نیز بایستی مشخص برای تفسیر و احادیث تفسیری مشاهده نمی‌گردد.

میزان الحکمة، دانشنامه حدیثی نوینی است به کوشش محمد محمدی ری‌شهری، شامل ۵۶۴ عنوان، ۴۲۶۰ باب و ۲۳۰۳۰ حدیث. این کتاب ناظر به روایات فقهی نیست و حاوی احادیثی است که مضمون اخلاقی یا اجتماعی دارند و یا مرتبط با مسائل فکری و اعتقادی‌اند. مؤلف در هر موضوع، نخست آیات مربوط به آن را آورده است. به جز احادیثی که درصدد تفسیر آیات قرآن هستند، که آنها را بر همه روایات مقدم شمرده است. در این مجموعه، به معارف دینی نگاه جامعی شده است تا فهم عمیق تعالیم الهی را به ارمغان بیاورد. این نگاه، محصول تفسیر هر آیه یا روایت در منظومه هماهنگ گزاره‌های دینی است. این منظومه، با کنار هم نهادن اعضای هر خانواده حدیثی بر اساس مضمون، رسیدن به این هدف را آسان می‌کند. بنابراین در این مجموعه بزرگ حدیثی نیز باب یا ابواب خاصی برای احادیث تفسیری ملاحظه نشده است.

۷- چگونگی پرداخت به احادیث تفسیری در کتب تفاسیر جامع روایی شیعه

همچنان که در بازتعریف جوامع حدیثی بیان شد، کتب تفاسیر روایی به دلیل برخورداری از مجموعه‌ای از احادیث تفسیری اهل بیت (ع)، در زمره کتب جوامع حدیثی قرار می‌گیرند؛ خواه این کتب اسم جوامع را داشته باشند یا نه. بنابراین، این مهم را می‌طلبند که پژوهشی در این گونه کتب تفسیری انجام گیرد تا نحوه جمع‌آوری و طبقه‌بندی احادیث تفسیری آنها مشخص شود. بررسی تمام تفاسیر روایی شیعه، خود مجال دیگری می‌طلبند؛ لذا در پژوهش حاضر به بررسی مهم‌ترین تفاسیر روایی شیعه اکتفا شده است:

۱. برای مطالعه بیشتر می‌توانید به اصل کتاب بحارالانوار: کتاب فی الطهارة و الصلاة، کتاب فی فضائل القرآن والذکر، کتاب فی الزکاة و الصدقة و الخمس و الصوم؛ همچنین: ج ۸ ص ۶۷ و ۱۷۳) مراجعه نمایید.

بررسی جوامع حدیثی فریقین در چگونگی پرداخت به احادیث تفسیری معصومان (ع) ۱۳۷

در تفسیر نورالتقلین اگرچه احادیث فراوانی یافت می‌شود ولی، همه آنها احادیث تفسیری محسوب نمی‌شود. مؤلف، احادیثی منقول از ائمه اهل بیت (ع) را که به گونه‌ای با آیات قرآن ارتباط داشته، گرد آورده است. این احادیث گاه به تفسیر و گاه به تأویل آیات مربوط است و در پاره‌ای موارد هم به عنوان استشهاد یا در تأیید نظریه آنها استفاده شده است ولی بیشتر آنها ارتباط مستقیمی با آیه و مفهوم و یا دلالت آن ندارد، در عین حال، به عنوان شاهد ذکر شده است. احادیث زیادی نیز که درصدد تعیین مصداق یا روشن‌تر شدن معنای آیه باشد، در این تفسیر فراوان دیده می‌شود. به نظر آیت‌الله معرفت، مفسر در این تفسیر، تمام آنچه را که بدان دست یافته، خواه از نظر خود و دیگران مقبول باشد یا نه، آورده است. لذا این تفسیر، منبعی سرشار از احادیث تفسیری به شمار می‌رود. (معرفت، ۱۳۷۹: ۱۴۰/۲)

کتاب «البرهان فی تفسیر القرآن» بحرانی نیز به شیوه تفسیر روایی محض شیعی، که در آن به نقل روایات تفسیری معصومین (ع) بسنده می‌شود، نگاشته شده است. منظور از تفسیر روایی محض، یعنی تفسیری است که، فقط برگرفته از روایات موجود از سنت معصومان (ع) و آن هم بدون هیچ اجتهادی از سوی مفسر باشد. وی ابتدا آیه را ذکر می‌کند و پس از آن، احادیث مأثور از ائمه (ع) درباره آیه را می‌آورد و در جایی که در تفسیر آیات، روایت صریح و مستندی از اهل بیت (ع) یافت نشده، آنچه را علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خود آورده، نقل می‌کند. (بحرانی، ۱۴۱۶: ۷/۱) وی در بیشتر موارد از تفسیر، به شیوه تفسیر مزجی، آیه را تقطیع کرده و حدیث تفسیری را در میان قطعه‌های آیات آورده است. شمار روایات به کار رفته برای تفسیر هر آیه از یک روایت، مانند تفسیر آیه ۲ سوره بقره (بحرانی، ۱۴۱۶: ۱۲۳/۱)، تا شصت و چهار روایت، در تفسیر آیه ۳۳ سوره احزاب (همان: ۴۴۲/۴)، متغییر است. کتاب در مجموع، حدود ۱۲۰۰۰ حدیث را همراه با ارجاع دقیق به منبع هر یک در پاورقی به دست می‌دهد. همه احادیث این کتاب، تفسیری نیست،

مصنف احادیثی را که در آن آیات به عنوان شاهد و مؤید مطلبی باشد و احادیثی که مضمون آنها بدون دربرگرفتن نصّ قرآنی، دلالت بر تفسیر آیات بنماید و احادیثی که مصداقی از مصداقی آیه را بیان می‌کند نیز گردآوری نموده است.

فیض کاشانی نیز در تفسیر صافی همان‌طور که خود در مقدمه بیان داشته، سعی کرده، تفسیری پیراسته از اندیشه‌های گوناگون و برگرفته از بیانات صاف و ناب اهل بیت «ع» عرضه کند و از این رو نام «الصافی» را برای آن برگزیده است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱۳/۱)

تفسیر صافی آمیزه‌ای از روایت و درایت و نقل و عقل است. این تفسیر از جمله تفاسیر نفیس و ارزشمند و فراگیر است که تقریباً همه احادیث اهل بیت (ع) در ارتباط با تفسیر یا تأویل آیات در آن گرد آمده است. فیض کاشانی در مورد نقل احادیث در مقدمه کتابش می‌گوید: «در جایی که احادیث هم‌معنای زیادی وجود دارد، جامع‌ترین آن را نقل نموده و از ذکر دیگر روایات به دلیل اختصار، صرف نظر کرده‌ایم و گاهی به کثرت آن اشاره داشته‌ایم. در جایی که روایات مختلف وجود دارد، اصح، احسن و اعم آنها را انتخاب کرده، نقل می‌کنیم و در مواردی نیز اشاره به موارد اختلاف کرده‌ایم» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۷۵/۱).

فیض کاشانی احادیث را با ذکر مرجع بدون سند بیان کرده و در مواردی نیز مرجع روایت را ذکر نموده است. در بعضی موارد فقط به نقل مقطع مورد نظر کفایت کرده و از نقل بقیه حدیث اجتناب کرده است، گاهی نیز به تحلیل یا جمع یا توجیه احادیث می‌پردازد. وی درباره علت حذف سلسله اسناد می‌گوید: «ما در نقل روایات به طور کلی یا سلسله سندها را حذف کرده‌ایم؛ زیرا در این زمان که از سلسله سندها دوریم، شناختن آنها فایده زیادی ندارد. علاوه بر این، اختلاف و اشتباه نیز در آنها وجود دارد و دیگر اینکه ما از غیر طریق سلسله سندها، اخبار را تصحیح می‌کنیم مگر در مواردی اندک که این امر صورت پذیرفته است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۷۷/۱)

۸- چگونگی پرداخت به احادیث تفسیری در جوامع حدیثی اهل سنت

مهم‌ترین و نقش‌آفرین‌ترین دوره در ادوار حدیثی اهل سنت، دورهٔ تدوین جوامع روایی (صاح سته) است؛ زیرا تمام ادوار پس از آن تا دوران معاصر به گونه‌ای متأثر از این دورهٔ تدوین و کتاب‌های نگاشته شده در این دوره است. محدثان اهل سنت، مجموع احادیث و مطالب دینی را در هشت موضوع (عقاید، احکام، سیر، آداب، تفسیر، فتن، اشراط الساعه و مناقب) دسته‌بندی کرده‌اند. (عتر، ۱۴۰۴: ۱۹۸/۱) و اعتقاد دارند که جامع حدیث کتابی است که دربردارندهٔ همهٔ آنها باشد. اگر چه در باب پاره‌ای از این عناوین اختلاف نظر وجود دارد. (طحان، ۱۴۱۲: ۹۷/۱) در کتاب‌های جوامع حدیث، ترتیب تدوین احادیث بر اساس موضوعات است نه همچون مسندها و معجم‌ها که بر اساس اشخاص و اصحاب گردآوری شده است.

تعداد احادیث کتاب موطأ در نسخه‌های آن مورد اختلاف است؛ احادیث این کتاب را به سه هزار حدیث نیز رسانده‌اند. اما به گفتهٔ ابوریه به نقل از ابهری تعداد احادیث این کتاب ۱۷۲۰ حدیث است (ابوریه، ۱۴۲۰: ۳۱۱)، اما شمار کنونی موطأ بیشتر از این رقم است. در این که آیا این کتاب، یک کتاب جامع به شمار می‌رود، یا خیر، دانش‌پژوهان شیعه چیزی در این باره نگفته‌اند؛ فقط موطأ را جزو جوامع حدیثی به شمار آورده‌اند. (نصیری، ۱۳۹۲: ۲۱۶؛ شانه‌چی، ۱۳۸۱: ۶۲) مالک، کتاب خود را براساس ابواب فقهی تنظیم کرده که شامل ۶۰ کتاب است که علاوه بر وجود اکثر ابواب فقهی در آن، برخی از مباحث اخلاقی را نیز مطرح نموده است که با کتاب «وَقُوتِ الصَّلَاةِ» شروع و با کتاب «أَسْمَاءِ النَّبِيِّ» ختم می‌شود. (زرقانی، بی تا: ۶۱/۱) این کتاب مجموعه‌ای از احادیث نبوی (ص) و قضایای صحابه و فتاوی تابعین است. موطأ یک کتاب فقهی است و لذا ابواب آن نیز همان ابواب فقه است. در آن بابی تحت عنوان تفسیر موجود نیست. فقط برخی مباحث اخلاقی را نیز مطرح نموده است.

چون در کتب مسانید، احادیث به ترتیب صحابه و بر اساس حروف الفبایی، گردآوری شده و گاه به ترتیب محاسبه سوابق اسلامی و گاهی بر مبنای انساب است (صبحی صالح، ۱۳۸۸: ۲۱۲؛ معارف، ۱۳۸۵: ۴۲)، بنابراین، همان‌طور از تعریف آن پیداست، چون احادیث بر اساس نام صحابه مرتب و تنظیم گردیده‌اند و احادیث هر صحابی را ذیل نام او می‌آورند، لذا این احادیث به ترتیب موضوعی و ابوابی تنظیم نشده‌اند و به تبع آن، احادیث تفسیری نیز در این گونه کتب در ذیل نام هر صحابی پراکنده و باب خاصی را به خود اختصاص نمی‌دهند.

اگر چه صحیح بخاری بیشتر مطابق با کتاب‌های فقهی فصل‌بندی و تنظیم شده ولی مطالب و ابواب دیگری نیز مانند آغاز خلقت، بهشت و دوزخ، پیامبران در آن وجود دارد؛ یکی از آن ابواب نیز تفسیر قرآن است که به نام «کتاب التفسیر» نام‌گذاری شده است. از بررسی ابواب احادیث در این کتاب می‌توان گفت که وی در باب «کتاب التفسیر»، احادیث تفسیری را به ترتیب سوره‌های قرآن، از سوره فاتحه‌الکتاب آغاز و تا پایان قرآن کریم احادیثی که از نظر وی تفسیر آیات است، در ذیل آیه مورد نظر نوشته است. بدین صورت که وی اول، آیه مورد نظر را می‌نویسد، سپس حدیث یا احادیث مرتبط با آیه را در ذیل آن می‌آورد. البته احادیث تفسیری، منحصر به این باب نیست؛ وی احادیث تفسیری را در ابواب دیگر نیز گنجانده است و عناوین ابواب کتاب خود را بر اساس استنباط و استدلالش از احادیث برای موضوعاتی مختلف همچون اصول، فروع، آداب و تفسیر و امثال ... آورده است. بخاری در این کتاب، فراتر از یک محدث صرف و به صورت یک فقیه ظاهر شده است؛ بنابراین با نگاه به عناوین ابواب کتاب بخاری، می‌توان گفت که وی به نوعی استنباط و استدلال خود را از احادیث نشان داده است و بر همین اساس ابواب کتاب را مرتب و تبویب نموده است. به همین دلیل، او برخی از احادیث را برحسب بابی که در نظر داشته، تکرار یا تقطیع کرده و همراه با آن، نکات فقهی، حکمی و آیات الاحکام آورده است.

بررسی جوامع حدیثی فریقین در چگونگی پرداخت به احادیث تفسیری معصومان (ع) ۱۴۱

بنابراین احادیث تقطیع یا تکرار، فراوان به چشم می‌خورد و احادیث تفسیری اش فقط منحصر به «کتاب التفسیر» نیست. اگر چه وی در کتابش بابتی تحت عنوان «کتاب التفسیر» دارد که در آن احادیث تفسیری را آورده است، ولی در ابواب دیگر احادیث تفسیری نیز پراکنده است. به عنوان مثال در «کتاب التوحید» ذیل ابوابش آیات زیادی نقل کرده و احادیثی در تفسیر آیات آن باب را آورده است. (بخاری، ۱۳۸۹: ۵۴۷/۷ ذیل کتاب التوحید)

کتاب صحیح مسلم نیز مهم‌ترین کتاب حدیثی اهل سنت پس از صحیح بخاری است. نووی تعداد احادیث صحیح مسلم را ۷۲۷۵ حدیث می‌داند که با حذف مکررات بالغ بر چهار هزار حدیث می‌گردد. (نووی، ۱۳۹۴: ۵۱) صحیح مسلم ۵۴ کتاب دارد که با کتاب الایمان شروع شده و با کتاب التفسیر به پایان می‌رسد. وی احادیث تفسیری کتاب خود را در آخرین باب کتابش به نام «کتاب التفسیر» گردآوری نموده است و احادیث تفسیری را در این کتاب، ذیل هفت باب مرتب نموده است. احادیث را با توجه به آیه مورد نظر در قرآن کریم دسته‌بندی نموده است یعنی از آیات سوره بقره آغاز نموده تا آخر، هر حدیثی که در تفسیر آیه باشد آنها را به ترتیب آیات گردآوری نموده است. تعداد احادیث تفسیری ذیل «کتاب تفسیر» ایشان، ۳۷ حدیث است. لذا احادیث تفسیری صحیح مسلم در مقایسه با سایر موضوعات کتاب، عدد خیلی اندکی است. البته لازم به یادآوری است که احادیث تفسیری در صحیح مسلم، فقط منحصر به باب «کتاب التفسیر» نیست و در ذیل بعضی ابواب دیگر نیز پراکنده است. به عنوان مثال در «کتاب التوبه» ذیل باب هفتم، حدیثی در تفسیر آیه شریفه: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَى النَّهَارِ وَزُلْفًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحُسْنَآتِ يُدْهِنُ السَّيِّآتِ ذَٰلِكَ ذِكْرَىٰ لِلذَّآكِرِينَ» (هود/۱۱۴) آمده که به نظر می‌رسد بیشتر سبب نزول آیه را بیان می‌کند. (مسلم، ۱۳۹۰: ۴۸۲/۴)

کتب سنن نیز به کتبی گفته می‌شود که احادیث احکام در آن به ترتیب ابواب فقهی مرتب شده باشد. (شانه‌چی، ۱۳۸۵: ۳۶) لذا احادیث تفسیری در این گونه کتب نیز باب

خاصی را به خود اختصاص نمی‌دهند و طبعاً احادیث تفسیری در ذیل همان ابواب فقهی پراکنده شده‌اند و نیازی به بررسی آنها احساس نمی‌شود.

۹- چگونگی پرداخت به احادیث تفسیری در مهم‌ترین تفاسیر جامع روایی اهل سنت

کتب تفاسیر روایی اهل سنت انباشه از احادیث تفسیری از پیامبر (ص)، صحابه و تابعین است. تفسیر طبری، یکی از کهن‌ترین و مهم‌ترین تفاسیر جامع، اثر ابو جعفر محمد بن جریر طبری (۳۱۰هـ) است. این اثر به علت دارا بودن بیشترین احادیث تفسیری در شمار تفاسیر روایی به شمار می‌رود و با پرداختن به نقد روایات موجب شد تا دوره نگارش تفاسیر محض - بدون نقد و اجتهاد - به پایان برسد. همین مسئله موجب شد تا این تفسیر از نظر روش، الگویی مناسب برای اغلب آثار مهم تفسیر روایی پس از خود گردد و از این طریق توانست تاریخ تفسیر را وارد مرحله‌ای جدید سازد. شیوه پرداختن وی به احادیث تفسیری بدین‌گونه است که نخست تفسیر خود را با بحث‌های مقدماتی آغاز کرده، سپس احادیث ناظر به نزول قرآن را بر هفت وجه آورده است. (طبری، ۱۴۱۲: ۲۱/۱) وی تفسیر آیات را با ذکر احادیثی با نقل از اقوال صحابه و تابعین، آغاز می‌کند. اغلب اسانید او به صحابه و تابعین منتهی می‌شود و کمتر سندی را می‌توان یافت که به پیامبر (ص) ختم گردد.

وی در تفسیر، انبوهی از احادیث متفاوت از نظر قوت و وثاقت را با ذکر سلسله سند می‌آورد. آنگاه اگر در تفسیر آیات، اختلاف نظری میان مفسران یا قراء وجود داشته باشد، احادیث مربوط به هر آیه را با هماهنگی خاص مفهومی، دسته‌بندی و ذکر کرده و هر مجموعه احادیث هم معنا را از مجموعه دیگر، با عنوان «ذکر من قال ذلک» تفکیک کرده. (طبری، ۱۴۱۲: ۱۱۱/۳، ۱۱۵) لذا وی در نقل احادیث، آمیختگی به وجود نیاورده و هر حدیثی را چه از نظر متن و چه از نظر سند، جدا و روشن و با دسته‌بندی منظم آورده است. وی در دسته‌بندی احادیث از دانش وسیع خود از جمله زبان عربی، قرائت و تاریخ و... بهره می‌برد. لذا احادیث در این تفسیر پراکنده و آشفته به نظر نمی‌رسد.

بررسی جوامع حدیثی فریقین در چگونگی پرداخت به احادیث تفسیری معصومان (ع) ۱۴۳

وی اگر چه احادیث را با ذکر سند می‌آورد؛ غالباً درباره صحت و نقد سند اظهار نظری ندارد؛ از این رو، احادیث ضعیف‌السند در تفسیر وی فراوان دیده می‌شود؛ هم چنین در موارد بسیاری نیز، از افراد ضعیف یا مجهول‌الحال یا معروف به جعل، روایت می‌کند. به نظر آیت‌الله معرفت عمده ضعف وی در همین مورد است؛ بویژه در نقل «اسرائیلیات» که راه افراط رفته و به ارزش تفسیر خود لطمه اساسی وارد ساخته است. به همین دلیل این نقد بر وی وارد است که بدون توجه به صحت و سقم روایات و بدون ذکر درجه ضعف یا قوت اسناد آنها را نقل می‌کند. تا آنجا که نقادان به نکوهش او پرداخته‌اند. (معرفت، ۱۳۷۹: ۱۶۳/۲) از جمله، شیخ محمد عبده او را به جنون جمع‌آوری حدیث متهم کرده است. (رشیدرضا، ۱۳۷۲: ۲۴۵/۳) لذا احادیث کتابش، بویژه احادیث تفسیری‌اش به نقد و بررسی گسترده‌ای نیاز دارد. به عنوان مثال در تفسیر برخی آیات مربوط به قصص قرآنی از برخی روایات اسرائیلی بدون نقد و بررسی آنها بهره می‌برد. (طبری، ۱۴۱۲: ۳۹/۱۶)

از آنجا که اعتقاد و مذهب طبری بر یک مذهب کلامی و فقهی خاص بوده، موجب شده است تا بسیاری از احادیث تفسیری موجود در آن دوران را با توجه به گرایش مذهبی‌اش، پالایش کند و به ذکر احادیث تفسیری و طرح دیدگاه‌های فقهی مذاهب دیگر علی‌الخصوص امامیه نپرداخته است. او ذیل آیاتی که طبق باور امامیه در شأن ائمه (ع) نازل شده‌اند، یا احادیث شأن نزول را ذکر نکرده یا آن را جایز به حمل بر معنی عام دانسته است. (طبری، ۱۴۱۲: ۵۳۰/۲۱، ۴۲۴/۱۰)

تفسیر الدر المنثور سیوطی یک تفسیر ترتیبی است که به تفسیر و شرح تمامی قرآن که آغازش با سوره حمد و پایانش سوره ناس است، پرداخته است و برای همه سوره‌ها احادیثی را آورده است. شیوه او آوردن احادیث تفسیری ذیل هر آیه است. در تفسیر هر سوره پس از ذکر نام سوره، احادیثی مربوط به نام سوره، تعداد آیات هر سوره، محل نزول و فضائل سوره را می‌آورد. در مرحله بعد به ترتیب آیات، احادیث مربوط به تفسیر آن آیه را با عبارت «أَخْرَجَ فُلَانٌ مِنْ فُلَانٍ» ذیل همان آیه می‌آورد. علاوه بر آن وی در قسمت

تفسیر آیات، احادیث مربوط به سبب نزول آیه، قرائت‌های مختلف، ریشه و معنای واژه‌ها را نیز آورده است. سیوطی نیز در بیشتر موارد از تفسیر، به شیوه تفسیر مزجی، آیه را تقطیع کرده و حدیث تفسیری را در میان قطعه‌های آیات آورده است. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۸/۲) همان‌طور که بیان شد، چون اهل سنت احادیث تفسیری اندکی از پیامبر (ص) دارند، اغلب احادیث این کتاب سخنان صحابه و تابعین است که در نظر اهل سنت حدیث محسوب می‌شود. این کتاب از کتب تفسیر روایی خالص شمرده می‌شود به گونه‌ای که در آن هیچ اجتهادی ذیل تفسیر آیات نیامده است. بلکه فقط به جمع‌آوری احادیث از کتب سلف پرداخته است، بدون آنکه روایتی را از جهت ضعف و صحت در سند مورد بررسی قرار دهد یا به جرح و تعدیل آنها پردازد.

گویا وی قبل از نگارش در المنثور، بر اساس نقل احادیث از سلف و با اسانید متصل، تفسیری به نام «ترجمان القرآن» - که اکنون در دسترس نیست - نوشت؛ سپس به اختصار و نیز حذف اسانید آن پرداخت و تنها به ذکر صاحب کتاب مرجع اکتفا نمود. و تفسیر الدر المنثور نتیجه همین کار است. به گفته آیت‌الله معرفت نام کتاب، نامی است کاملاً متناسب با محتوایش؛ زیرا احادیث منقول در ذیل هر آیه، بدون نظم و دسته‌بندی و اظهار نظر یا جرح و تعدیل است و مانند گوهرهایی از هم پاشیده، در این تفسیر پخش گردیده است. (معرفت، ۱۳۷۹: ۲۰۳/۲) شاید به همین دلیل باشد که در تفسیر سیوطی، دسته‌بندی احادیث تفسیری رعایت نشده و آمیختگی در متن احادیث به وجود آمده است و گاه چند حدیث که متن آنها به هم نزدیک است و سندهای متعددی دارند، یک جا و با یک متن آمده است؛ هر چند ممکن است از لحاظ برخی نکات و کم و زیاد بودن عبارات با هم تفاوت داشته باشند و این آمیختگی موجب آشفتگی در فهم آنها گردد. (سیوطی، ۱۴۱۴: ۱۶/۲) آیت‌الله معرفت این مورد را به عنوان یکی از نکات منفی این تفسیر برشمرده است. (معرفت، ۱۳۷۹: ۲۰۴/۲) بنابراین اگرچه این تفسیر از نظر جامعیت احادیث تفسیری اهل سنت در

بررسی جوامع حدیثی فریقین در چگونگی پرداخت به احادیث تفسیری معصومان (ع) ۱۴۵

بین سایر کتب تفسیری کم نظیر است، ولی در این کتاب دسته‌بندی احادیث تفسیری رعایت نشده و آمیختگی در متن احادیث فراوان دیده می‌شود. همچنین احادیث با حذف سند از منابع اصلی آنها آورده شده است.

۱۰- بحث و بررسی

از آغاز دوران تدوین جوامع اولیه حدیثی شیعه حتی قبل‌تر از آن از دوران اصحاب ائمه (ع) و آغاز نگارش اصول اربعه مائه، در هیچ‌کدام از جوامع حدیثی آنها بابتی خاص برای احادیث تفسیری در نظر گرفته نشده است. نگارندگان کتب جوامع حدیثی - متقدمین و متاخرین شیعه - احادیث کتب خود را متناسب با ابواب فقه تدوین و تبویب نموده‌اند، لذا احادیث تفسیری را نیز در ذیل هر کدام از آن ابواب جایی داده‌اند و بابتی را که مختص احادیث تفسیری باشد، نگشوده‌اند. بنابراین نیازی به اینکه احادیث تفسیری را ذیل باب خاصی بیاورند، احساس نمی‌کردند.

با توجه به اهمیت تفسیر، علی‌الخصوص برای شیعه با احادیث قابل توجه موجود از ائمه معصومان (ع)، این انتظار می‌رفت که گردآورندگان جوامع حدیث متاخر کاستی موجود در جوامع حدیثی اولیه را جبران نمایند و بابتی خاص برای احادیث تفسیری در کتب خود تبویب نمایند. اما نگارندگان جوامع ثانویه نیز همان راه سلف خود را طی نموده‌اند. شاید در دو قرن اخیر کسانی مانند فیض کاشانی و علامه مجلسی و اخیراً آیت‌الله ری‌شهری در کتب خود آیات قرآنی متناسب با روایت را دسته‌بندی کرده‌اند و در ذیل احادیث یک موضوع آورده‌اند ولی آنها هم بابتی اختصاصی برای احادیث تفسیری تدوین نکرده‌اند. لذا در کتب جوامع حدیثی شیعه باب خاصی برای احادیث تفسیری یافت نمی‌شود. اینکه نگارندگان جوامع حدیثی متاخر شیعه نیز به تبعیت از اسلاف خود ابواب کتب خود را مانند آنها می‌بویب نموده‌اند جای بحث دارد: آنها چه لزومی بر این کار داشته‌اند؟ بررسی دلائل آنها خود مجال دیگری می‌طلبد.

تفاسیر نقلی (روایی) شیعه، تفاسیری هستند که پیرامون هر آیه، یک یا چند حدیث از پیشوایان دینی می‌آوردند بدین گونه که هر آیه را با احادیثی از پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) تفسیر می‌کنند. لذا این تفاسیر انباشه از احادیث تفسیری هستند و بهترین منابع برای دسترسی به احادیث تفسیری معصومان (ع) هستند. یکی از مهم‌ترین معایب این گونه کتاب‌های تفسیری شیعه این است که در برخی از کتب احادیث تفسیری شیعه، همه احادیثی را که به عنوان احادیث تفسیری آورده شده، نمی‌توان احادیث تفسیری محسوب نمود؛ برخی از این احادیث مربوط به تأویل آیات، یا به عنوان استشهاد و یا در صدد تعیین مصادیق، آورده شده است. لذا می‌توان گفت که در بین احادیث تفسیری موجود در کتب تفاسیر شیعی، احادیثی وجود دارد که ارتباط مستقیمی با آیه ندارد. سخن دیگر این که در بعضی از این تفاسیر از جمله «البرهان» و «نورالتقلین» احادیث سره و ناسره به وفور یافت می‌شود و مؤلفین آنها به پالایش احادیث تفسیری کتب خود نپرداخته‌اند.

در بررسی جوامع حدیثی اهل سنت نیز می‌بینیم که در جوامع حدیثی آنها نیز، احادیث بر اساس ابواب فقهی تنظیم شده است. لذا ابواب آنها نیز همان ابواب فقه است. در آن بابی تحت عنوان تفسیر موجود نیست؛ از بررسی کتب صحاح سته اهل سنت چنین برمی‌آید که آنها، بابی به نام «کتاب التفسیر» را به احادیث تفسیری اختصاص داده‌اند و احادیث تفسیری را ذیل آن جا داده‌اند. با پژوهشی در احادیث ابواب این کتب مشخص شد که احادیث تفسیری در این کتاب‌ها، منحصر در آن باب خاص نیست و در برخی ابواب دیگر نیز احادیث تفسیری به چشم می‌خورد. در برخی از کتب صحاح تعداد احادیث تفسیری ذیل باب «کتاب التفسیر» خیلی اندک است؛ اینکه مؤلفین آنها این تعداد اندک احادیث را ذیل بابی خاص قرار داده‌اند، جای شگفتی دارد.

در کتب مسانید اهل سنت نیز همان گونه که از اسم این گونه کتب پیداست، چون احادیث بر اساس نام صحابه موبّ شده است، احادیث تفسیری نیز در این گونه کتب در ذیل نام هر

بررسی جوامع حدیثی فریقین در چگونگی پرداخت به احادیث تفسیری معصومان (ع) ۱۴۷

صحابی پراکنده و باب خاصی را به خود اختصاص نمی‌دهند. گرچه احادیث تفسیری از هر صحابی نیز خیلی اندک و انگشت‌شمار است. در کتب سنن نیز چون احادیث در آن به ترتیب ابواب فقهی مرتب شده، لذا احادیث تفسیری در این گونه کتب نیز تحت باب خاصی نیامده‌اند و احادیث تفسیری در ذیل همان ابواب فقهی پراکنده شده‌اند.

کتب تفاسیر روایی اهل سنت انباشه از احادیث تفسیری هستند. اما این گونه کتب از دو مشکل عمده و اصولی رنج می‌برند: اول اینکه بیشتر احادیث آنها به صحابه و یا تابعین منتهی می‌شود و کمتر اسنادی را می‌توان یافت که به پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) ختم گردد و دوم اینکه احادیث ضعیف‌السند و مجهول‌الحال، در این گونه کتب به وفور یافت می‌شود. لذا نمی‌توان اعتماد چندانی به احادیث تفسیری این کتب داشت.

نتیجه

نتایجی که از این پژوهش به دست آمد نشان می‌دهد که جوامع حدیثی اولیه شیعه بر مبنای ابواب چهارگانه فقهی (عبادات، عقود، ایقاعات و احکام) تدوین شده‌اند؛ لذا احادیث تفسیری ذیل هر کدام از این ابواب پراکنده شده‌اند. یعنی بابی خاص برای احادیث تفسیری معصومان (ع) در جوامع حدیثی متقدم شیعه موجود نیست. مؤلفین کتب جوامع حدیثی متأخر شیعه نیز به تبعیت از اسلاف خود، کتب حدیثی خود را بمانند آنان بر تحت عناوین و ابواب کتب فقهی، می‌بوی و تدوین نموده‌اند. شاید بعضی از آنها مانند مؤلف بحارالانوار و الوافی، ترتیب نوینی ایجاد و با ادغام پاره‌ای از ابواب، در برخی دیگر و جابه‌جا کردن آنها، تدوین جدیدی را پدید آورده‌اند، ولی همچنان باب خاصی را برای احادیث تفسیری قائل نشده‌اند و این خلأ همچنان احساس می‌شود. در دوره‌های بعد نیز همین روال تکرار شده است. از بررسی در کتب جوامع حدیثی اهل سنت نیز این نتیجه به دست آمد که اگر چه اکثر آنها در کتب خود بابی اختصاصی برای احادیث تفسیری تدوین نموده‌اند، ولی احادیث تفسیری در ذیل سایر ابواب نیز پراکنده شده است. با مراجعه به کتب جوامع حدیثی فریقین

به تنهایی همه احادیث تفسیری معصومان (ع) در دسترس نخواهد بود، لذا نیاز به تدوین کتاب جامع که مشتمل بر همه احادیث تفسیری باشد، به شدت احساس می‌شود.

کتابنامه

۱. اسکافی، محمدبن عبدالله. (۱۴۰۲ق)، المعیار و الموازنة، (بی‌جا)، (بی‌نا).
۲. ابن بابویه، محمدبن علی. (۱۴۰۵ق)، من لایحضر الفقیه، بیروت، المكتبة الإسلامية.
۳. ابن تیمیه، احمدبن عبدالحلیم. (۱۴۰۹ق)، مقدمة فی اصول تفسیر، بیروت، دارمکتبة الحیاء.
۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو. (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۵. ابوریّه، محمود، (۱۴۲۰ق)، اضواء علی السنه المحمدیه، قم، موسسه انصاریان.
۶. امین عاملی، محسن، (۱۴۰۳ق)، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف.
۷. آغابزرگ تهرانی، محمدمحسن، (۱۴۰۳ق)، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت، دارالاضواء.
۸. بحرانی، سیدهاشم، (۱۴۲۶ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیادبعثت.
۹. بخاری، محمدبن اسماعیل، (۱۳۸۹)، الجامع الصحیح، تربت جام، انتشارات احمدجام.
۱۰. برقی، احمدبن محمد، (۱۴۱۶ق)، المحاسن، قم، المجمع العلمی لاهل بیت.
۱۱. حجت، هادی، (۱۳۸۸)، جوامع حدیثی شیعه، تهران، دانشکده علوم حدیث.
۱۲. ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد. (۱۴۰۹ق)، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر الاعلام، بیروت، دارالکتب العربیه.
۱۳. ذهبی، محمد، (۱۴۰۶ق)، سیراعلام النبلاء، بیروت، دارالفکر.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، دارالعلم دارالشامیه.
۱۵. رشیدرضا، محمد، (۱۳۷۲ق)، تفسیر المنار، قاهره، دارالمنار.
۱۶. زرقانی، محمدبن عبدالباقی، (بی‌تا)، شرح الزرقانی علی موطأ الإمام مالک، مصر، انتشارات احمد حنفی.
۱۷. سیوطی، جلال‌الدین، (۱۴۰۴ق)، درالمنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

بررسی جوامع حدیثی فریقین در چگونگی پرداخت به احادیث تفسیری معصومان (ع) ۱۴۹

۱۸. سیوطی، جلال‌الدین، (۱۴۲۱ق)، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دارالکتب العربی.
۱۹. صباغی، یوسف، (۱۳۸۲)، بررسی رجال صحیحین، قم، بوستان کتاب.
۲۰. صبحی، صالح، (۱۳۸۸)، علوم حدیث و اصطلاحات آن، ترجمه عادل نادرعلی، قم، انتشارات اسوه.
۲۱. طباطبایی، محمدکاظم، (۱۳۹۵)، تاریخ حدیث شیعه، قم، دارالحدیث.
۲۲. طبری، محمدبن جریر، (۱۴۱۲)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه.
۲۳. طحان، محمود، (۱۴۱۲ق)، اصول التخریج و درسه الاسانید، ریاض، (بی‌نا).
۲۴. عتر، نورالدین، (۱۴۰۴ق)، منهج النقد فی علوم الحدیث، دمشق، دارالفکر.
۲۵. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۴۱۵ق)، تفسیرنورالثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان.
۲۶. عسقلانی، ابن حجر، (۱۴۰۸)، هدی الساری لمقدمه فتح الباری، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۷. فیض کاشانی، محسن، (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تهران، انتشارات الصدر.
۲۸. _____، (۱۳۸۸)، الوافی، اصفهان، عطر عترت.
۲۹. قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۰. کافی، محمدبن یعقوب، (۱۴۲۱ق)، الکافی، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۳۱. مدیرشانه چی، کاظم، (۱۳۸۵)، تاریخ حدیث، تهران، انتشارات سمت.
۳۲. _____، (۱۳۸۱)، علم الحدیث، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳۳. مسلم بن حجاج نیشابوری، ابوحسین، (۱۳۹۰)، صحیح مسلم، ارومیه، انتشارات حسینی اصل.
۳۴. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۵. معارف، مجید، (۱۳۸۵)، جوامع حدیثی اهل سنت، تهران، سمت.
۳۶. معرفت، محمد هادی، (۱۳۷۹)، تفسیر و مفسران، قم، موسسه فرهنگی التمهید.
۳۷. موسوی، سید محسن و اکرم حسین‌زاده، (۱۳۹۸)، «بازخوانی مفهوم جوامع حدیثی»،
مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، دوره بیست و پنجم، شماره ۶۵.
۳۸. مهریزی، مهدی، (۱۳۸۹)، «روایات تفسیری شیعه، گونه‌شناسی و حجیت»، علوم حدیث، دوره
پانزدهم، شماره ۵۵.

۳۹. میرجلیلی، علی محمد، (۱۳۸۷)، «سیری در کتاب الوافی، علوم حدیث، دوره سیزدهم، شماره ۴۷.
۴۰. نصیری، علی، (۱۳۹۲)، آشنایی با جوامع حدیثی شیعه و اهل سنت، قم، نشر المصطفی.
۴۱. نووی، یحیی بن شرف، (۱۳۹۴)، التقریب و التیسیر فی اصول الحدیث، تهران، انتشارات احسان.

